



تشکیکی بودن احکام در لوح محفوظ

استاد و عضو هیئت علمی، گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران

محمد رسول آهنگران

فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته جزا و جرم شناسی، دانشگاه مفید، قم، ایران

علی زارع

فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته جزا و جرم شناسی، دانشگاه مفید، قم، ایران

معصومه مختاری

چکیده:

یکی از مبانی علم اصول که به صورت ارتکازی در جای جای مباحث استفاده می‌شود، تشکیکی بودن احکام است. عدم تبیین دقیق این مبنا ابهامات زیادی در مباحث فقهی، اصولی مانند ماهیت احکام ظاهری و واقعی، حل مسأله اجزاء و مصیب نبودن بسیاری از اعمال، ایجاد نموده و سوالات فراوانی را مطرح ساخته است. نوشتار پیش‌رو با بررسی مبناهای مذکور، تشکیکی بودن احکام را اثبات و تبیین نموده و برخی از نتایج مترتب بر آن را نیز ذکر کرده است.

واژگان کلیدی: تراحم، تبعیت احکام، تشکیک، احکام واقعی، احکام ظاهری، اجزاء، طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

۱- مقدمه

جهان بینی هر مکتبی به مثابه اسکلت بندی آن دین می‌باشد و از همین رو نوع نگاهی که پیروان آن اندیشه به جهان هستی دارند در تک تک گزاره‌های علمی و عملی آن تاثیر می‌گذارد. برای مثال وقتی در مکتب ماتریالیستی وجود خدا و معاد انکار می‌شود هیچگاه این مکتب نمی‌تواند افراد جامعه خود را به فداکاری و کشته شدن در جنگ‌ها برای استقلال و اعتلای آن جامعه تشویق نماید زیرا خلاف مسلمات آن مکتب است.

در مکتب اسلام نیز، جهان بینی اسلامی ملاک و معیار محکمی برای صحت و سقم برخی از گزاره‌های جزئی‌تر از دین اسلام است و حتی گاهی می‌تواند با توجه دادن فقیه به برخی از این مبانی، گره‌های کوری که در مباحث فقهی، اصولی وجود دارد را حل و فصل نماید.

با تتبع در علم اصول فقه خواهیم دید که برخی از این مبانی، مورد توجه علما قرار گرفته و به تبیین و توضیح آن پرداخته‌اند. نقض و ابرام‌های آن را بررسی کرده، و در نهایت نظر قطعی خود را ارائه داده‌اند. در مقابل برخی دیگر مانند تشکیکی بودن احکام در لوح محفوظ را مفروض و مسلم گرفته، بی‌آنکه آن را در بوته نقد و نظر قرار دهند و به آثار و پیامدهای آن توجه نمایند؛ آن مبنا را در جای جای مباحث خود استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر این مبانی تبدیل به یک ارتکاز در ذهن ایشان شده است.

در این مقاله نیز سعی شده است تاثیر تشکیکی بودن احکام در لوح محفوظ را به عنوان یکی از نتایج مباحث جهان بینی اسلامی را در مباحث اصولی و فقهی، به نحو ملموسی نشان داده شود. باشد که این کار زمینه ارتباط بیشتر مباحث کلامی و جهان‌بینی را با مباحث جزئی‌تر مانند فقه و اصول ایجاد نماید.

تشکیکی بودن احکام در لوح محفوظ یکی از نتایج جهان بینی اسلامی است که با تحلیل حکمت خدای متعال و ملاحظه آن در مبحث دنیا شناسی اسلامی، به دست می‌آید. و می‌تواند تاثیر شگرفی در تحلیل قواعد اصول فقهی ایجاد کرده و آثار بسزایی در علم فقه ایجاد نماید. وقتی اعتقاد به حکمت الهی در تشریع احکام داریم و از طرفی ریزش‌های مادی را از ضروریات دنیا شناسی می‌دانیم؛ تشکیکی بودن احکام یکی از نتایج بالضروره آن خواهد بود که لازم است این مطلب در تبیین و تحلیل تک تک قواعد اصولی و استنباط احکام فقهی مورد لحاظ قرار گیرد.

احکام الهی صادر شده است که در این جهان با تمام ویژگی‌هایی که دنیای مادی دارد و توسط این انسان با تمام خصوصیات جسمانی و روحانی بشر زمینی به اجرا در آید. خدای متعال حکیم است هم در خلقت خود و هم در ربوبیت و تشریع احکام. از همین رو احکام را به نحوی صادر می‌نماید که امکان اجرای آن حکم در ظرف این دنیای مادی، توسط بشر زمینی، وجود داشته باشد.

لحاظ کردن ریزش‌ها، تزاوجات و کسر و انکسارات دنیای مادی و تاثیر آن در افعال انسانی، نتیجه‌اش تشکیکی بودن احکام در لوح محفوظ خواهد بود. یعنی حکم واقعی که خدای متعال انجام آن را از بندگان می‌خواهد با توجه به شرایط و حالاتی که مکلف در آن قرار می‌گیرد مانند خطا، نسیان، تقيه، مریضی و عدم دسترسی به برخی احکام، تغییر می‌نماید و در بسیاری از موارد از ایده‌آل‌های مد نظر اولیه عدول می‌شود. برای مثال نمازی که خدای متعال از یک انسان در شرایط ایده‌آل می‌خواهد با نمازی که از او در شرایط تقيه، جنگ، در حال غرق شدن، مریضی شدید، فراموش کردن برخی از اجزاء با ورود در جزء دیگر، عدم دسترسی به احکام واقعی و... می‌خواهد متفاوت است. در شرایط ایده‌آل ترک کردن قیام بعد از رکوع بطلان نماز را در پی خواهد داشت، در حالی که در مریضی شدید نه رکوع کامل را از او می‌خواهد و نه قیام بعد از رکوع را.

به عبارت دیگر این‌طور نیست که آن حکم واقعی که خدای متعال انجام آن را از بندگان خود می‌خواهد و رسیدن به مصلحت فعل را در گرو آن قرار داده است، حکمی با مشخصات خاص باشد که اگر عینا همان انجام شود، آثار حکم مانند مجزی بودن و رسیدن به مصلحت را به دنبال خواهد داشت، اما اگر ذره‌ای ریزش متوجه آن شود، دیگر اثری بر آن مترتب نخواهد بود و مصلحت عمل به طور کامل فوت خواهد شد.

بنابراین تشکیکی بودن احکام را چنین تعریف می‌کنیم:

احکام الهی در لوح محفوظ متناسب با واقعیت ریزش‌های موجود در زندگی مردم، دارای درجاتی است که حدود آن را شارع معین می‌نماید.

گرچه شاید در کلام علما تصریحی به این مبنا نشده باشد، اما با بررسی فتاوی ایشان درباره اختلاف احکام با مختلف شدن شرایط متوجه می‌شویم که مبنای فقهی ایشان بر تشکیکی

عوض می‌شوند. در علم اصول نیز گاهی به این مطلب اشاره شده است. استاد اعظم شیخ انصاری(ره) در توضیح خود درباره مراد از لفظ صحیح می‌فرماید:

قد تكون الصحيحة من مكلف بعينها فاسدة من آخر، فصلاة المريض تصح بدون القيام و هي فاسدة من الصحيح، و صلاة ناسي القراءة كذلك، كصلاة الغريق و المطاردة و المسابقة و نحوها^۱.

به تبع ایشان، مرحوم آخوند نیز به این مطلب تصریح نموده و از آن به اضافی و نسبی بودن دو مفهوم صحت و فساد یاد می‌کند:

و منه ينقدح أن الصحة و الفساد أمران إضافيان فيختلف شيء واحد صحه و فسادا بحسب الحالات فيكون تاما بحسب حالة و فاسدا بحسب أخرى^۲.

پس از مرحوم آخوند بسیاری از علما به اضافی بودن دو مفهوم صحت و فساد تصریح می‌نمایند^۳. مانند مرحوم آیت الله خویی که نماز قصر و نمازی که ما بین مشرق و مغرب خوانده شده را مثال می‌زند و می‌فرماید که این نمازها نسبت به حالاتی صحیح هستند و در حالات دیگر فاسد:

ظهر أن الصحة و الفساد أمران إضافيان يختلفان باختلاف حالات المكلفين، مثلاً الصلاة قصرأ صحيحة للمسافر، و فاسدة للحاضر، كما أنها إذا وقعت إلى ما بين المشرق والمغرب صحيحة لمن لم يتمكن من تشخيص القبلة، و فاسدة للمتمكن من ذلك، وهكذا^۴.

بنابراین وقتی که آیت الله سید شهرستانی فعل صحیح را اینگونه تعریف می‌نماید:

و قد عرفت أن الصَّحَّة عبارة عن كون العمل
جامعا لجميع الأجزاء و الشرائط^۵

بودن احکام بوده است و حتی در برخی موارد نیز به این مطلب اشاره شده است:

فإن كل صلاة كانت صحيحة من أحد يمكن أن تكون فاسدة من آخر [مثلاً] صلاة الظهر من المسافر ركعتان، و هذه الصلاة لا تصح من الحاضر، و الصلاة قاعدا تصح من العاجز عن القيام، و هي بعينها فاسدة لو صدرت من القادر.

اما نکته جالب اینجاست که اگر بتوانیم این مبنا را به صورت دقیق‌تر و تفصیلی‌تر بحث نماییم و به لوازم و آثار آن توجه کنیم به نتایج جالب و ملموسی خواهیم رسید که در نگاه کلی ما در فقه و اصول تاثیر مثبتی خواهد گذاشت و به ما در تحلیل و بررسی برخی از مسائل مهم فقهی کمک خواهد نمود. تصویری را که ما از احکام واقعی، ظاهری، تقیه‌ای و دیگر انواع احکام داریم، تحت الشعاع قرار داده و باعث شفاف‌سازی این تقسیمات می‌شود. در حل مسائل اصولی به ویژه «اجزاء» نقش بسزایی ایفا می‌کند. برخی از ابهاماتی را که در عرصه احکام شرعی در ذهن مجتهد و مکلف وجود دارد را از بین می‌برد. مانند اینکه اگر واجبات شرعی، دارای مصلحت ملزمه هستند چرا شارع در برخی موارد که امکان جبران واجبات فوت شده وجود دارد، امر به آن ننموده است.

در این نوشتار سعی شده است، تشکیکی بودن احکام مورد بررسی قرار گیرد و برخی از ابعاد و نتایج حاصل از آن تبیین گردد و بدین وسیله جواب اشکالات و سوالاتی که مطرح شد واضح شود.

از آنجایی که احکام الهی، تشریح شده‌اند تا در نظام تکوین الهی اجرا شوند، برای پی بردن به برخی از خصوصیات تشریح ناچاریم به ویژگی‌های نظام تکوین و رابطه آن با نظام تشریح پی ببریم. به همین منظور در ابتدا به تبیین "تزامات در عالم ماده" که یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های عالم ماده است و در حل مساله تشکیکی بودن احکام تاثیر بسزایی دارد، پرداخته می‌شود. سپس رابطه بین نظام تکوین و ربوبیت تبیین شده و تاثیر التزامات مادی در ربوبیت الهی که تشکیکی بودن احکام است، بررسی می‌شود. در ادامه قالب‌هایی که تشکیکی بودن احکام، خود را در آن صور جلوه می‌دهد تبیین می‌شود. در انتها نیز برخی از آثار و نتایج این مبنا گفته می‌گردد. تشکیکی بودن احکام در لوح محفوظ

اصل تشکیک در احکام مورد قبول همه فقها است زیرا طبق فتوای همه آن‌ها با عوض شدن شرایط و ایجاد اضطرار، احکام

۱. مطرح الأنظار (طبع جدید)، ج ۱، ص ۴۶.

۲. کفاية الأصول (طبع آل البيت)، ص ۲۴.

۳. آراء حول مبحث الألفاظ في علم الأصول، ج ۱، ص ۱۶۴ ج ۲، ص ۲۱۲؛ نهاية الأفكار، ج ۱، ص ۷۴؛ نهاية الأصول، ص ۲۸۱؛ وسيلة الوصول الى حقائق الأصول، ج ۱، ص ۸۴؛ منتقى الأصول، ج ۱، ص ۲۱۰؛ انوار الأصول، ج ۱، ص ۱۰۵.

۴. محاضرات في أصول الفقه (طبع مؤسسة احياء آثار السيد الخوئي)، ج ۱، ص ۱۵۵.

۵. غاية المستول، ص ۱۲۴.

تعریف قاعده تراحمات: هر حرکتی در عالم ماده، در معرض تراحم و در نتیجه اصطکاک و ریزش است که از این قاعده به نام قاعده تراحمات یاد می‌نماییم.

توضیح و بررسی: خداوند حکیم انسان را در عالم ماده آفریده است. ماده در ذات خود دارای محدودیت زمانی و مکانی است. فضا را اشغال می‌کند و مانع از حضور هم‌زمان ماده دیگر در مکان خود می‌شود. تنها در صورتی حضور خود را در مکان دیگر محقق می‌سازد که بتواند ماده آن مکان را به کناری بزند. برای همین هر کنشی واکنشی در پی دارد و هیچ ماده‌ای نمی‌تواند خارج از این محدودیت‌ها جایگاهی را برای خود تعریف نماید. هر فعل و انفعالی در این عالم نتیجه برآیند جمیع نیروهایی است که در آن تاثیر می‌گذارد و بدین‌سان مقداری از نیروی محرکه در روند کنار زدن نیروهای مخالف و مزاحم از بین می‌رود و در نتیجه چه بسا حرکتی به وقوع نپیوندد و یا به صورت ناقص محقق شود.

بنابراین در چنین عالمی نمی‌توان حرکتی را مشروط به عدم ریزش کرد یا امر به انجام کاری به صورت ایده‌آل و بدون کمترین ریزشی نمود. از این‌رو معلم نمی‌تواند از شاگردش بخواهد که دقیقا همان کلمات کتاب را در جواب سوالها بنویسد. مهندس نمی‌تواند از بنا بخواهد که دیوار را طوری بالا ببرد که حتی انحراف میلیمتری نیز نداشته باشد. همچنانکه خدای متعال امتثال نماز را مشروط بر حضور قلب در تمامی اجزاء نماز ننموده است.

ریزش‌هایی که در اثر این تراحمات رخ می‌دهد، یا در مقام علم و شناخت هستند و یا در مقام عمل و فعل و هر کدام از آن‌ها نیز به دو صورت جزئی و کلی اتفاق می‌افتد.

یکم: ریزش‌های علمی

تراحمات عالم ماده گاهی باعث ریزش‌هایی در به دست آوردن شناخت و علم می‌شود زیرا هر یک از ابزارهای شناخت در موجودات، دارای محدودیت‌هایی است و عوامل خارجی هم می‌توانند در کم و کیف این محدودیت‌ها تاثیر بگذارند. مانند اینکه افزایش واسطه در نقل یک حادثه باعث خلل در علم به آن حقیقت می‌شود. یا اینکه وجود درختان مانع از این می‌شود که عقاب بتواند شکار خود را در سطح زمین پیدا کند برای همین این پرنده ترجیح می‌دهد در دشت‌های باز به جستجو بپردازد تا با مانع کمتری روبرو شود.

و یا زمانی که علامه مظفر(ره) در بحث اجزاء می‌فرماید:

لا شك فی أن المكلف إذا فعل بما أمر به مولاة علی الوجه المطلوب أی أتی بالمطلوب علی طبق ما أمر به جامعا لجميع ما هو معتبر فيه من الأجزاء أو الشرائط شرعية أو عقلية فإن هذا الفعل منه يعتبر امتثالا لنفس ذلك الأمر⁶

منظورشان این نیست که با ذره‌ای ریزش در انجام فعل ایده‌آل مصلحت ملزمه فعل از بین رفته و باید در صورت امکان آن فعل جبران شود. بلکه منظور آن‌ها از جامع جمیع شرایط و اجزاء، آن شرایط و اجزائی است که در حالات و انظار مختلف برای آن فعل تعریف شده است که ممکن است با سایر مواقع و شرایط متفاوت باشد. چنانکه مرحوم مظفر نیز در ادامه کلام خود تصریح می‌فرماید که این اجزاء و شرایط، به حسب حالات مختلف تفاوت می‌کند:

..فإن هذا الفعل منه يعتبر امتثالا لنفس ذلك الأمر سواء

كان الأمر اختياريا واقعا أو اضطراريا أو ظاهريا.⁷

بنابراین مشاهده می‌شود که با توجه به تعریفی که در ابتدا از تشکیکی و متناوب بودن احکام در لوح محفوظ ارائه کردیم، علمای ما نیز به همین مساله معتقد هستند ولی اگر به تبیین و توضیح این مبنا بپردازیم و منشأپیدایش و نیز تاثیرات آن را تحلیل نماییم اثر شگرفی در نگاه ما به دین خواهد گذارد و بسیاری از رابطه‌ها و نکات کور را برای ما روشن خواهد نمود.

تشکیکی بودن احکام از لوازم ضروری هماهنگی نظام تکوین و تشریع است و خلاف حکمت خدای متعال است که در این عالم ماده که مملو از ریزشها و تراحمات است احکام را به صورت غیر تشکیکی جعل نماید. تبیین این مطلب را در قالب دو بیان تقدیم می‌نماییم.

بیان اول؛ تشکیکی بودن، نتیجه لحاظ تراحمات در مقام

روبیت

خدای متعال انسان را در عالم ماده آفریده است و بر اساس قواعد همین عالم انسان را ربوبیت می‌نماید. یکی از قواعد بسیار مهمی که در این عالم حاکم است و اثر آن در ربوبیت انسان توسط خدای متعال بسیار ملموس است «قاعده تراحمات» است.

⁶. أصول الفقه، ج ۱، ص ۲۴۴.

⁷. همان، ج ۱؛ ص ۲۴۴.

بر این اساس از آنجایی که خلقت و ربوبیت خداوند حکیم قرار است در ظرف عالم ماده اجرایی شود و گذشت که در عالم ماده تراحماتی وجود دارد که هر حرکتی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. بنابراین خداوند حکیم نیز که در افعال خود تمامی جوانب کار را لحاظ کرده و جهان را بر اساس بهترین حالت آن یعنی نظام احسن پایه ریزی می‌نماید، قطعاً تراحمات عالم ماده را نیز هم در نظام تکوین و هم در نظام ربوبیت در نظر گرفته است.

ملاحظه تراحمات در مقام خلقت

خدای متعال به هنگام خلق، به تمامی حالات نظام تکوین علم داشته و می‌دانست که چه تراحماتی در آن رخ می‌دهد، میزان آن چقدر است، چه مقدار آن برای رشد و تعالی موجودات لازم است و چه مقدار باید جبران شود. با لحاظ همه این امور این جهان را خلق نموده است. مثلاً می‌دانسته که مقدار زیادی از بارانی که می‌بارد، به دریا می‌ریزد، یا در زمین فرو می‌رود و یا بخار می‌شود. برای همین باران را چندین برابر نیاز موجودات تقدیر کرده است تا با لحاظ موانع، احتیاج موجودات بر طرف شود. به سبب اینکه محدودیت‌های مکانی و زمانی مانع از این می‌شود که همه انسان‌ها به صورت مستقیم از حضور انبیاء و اولیاء استفاده کنند، وسیله خیر رسانی را قرار داده تا به انسان‌هایی که در فاصله‌های زمانی و مکانی قرار دارند بتوانند از وجود آن‌ها بهره‌مند شوند.

ملاحظه تراحمات در مقام ربوبیت

بر اساس نظام هماهنگی که ارائه شد، خدای متعال تراحم موجود در عالم ماده را در مقام ربوبیت و تشریح نیز لحاظ می‌نماید. در نظر گرفتن این امر باعث می‌شود ربوبیت موجودات به صورت کلی و ربوبیت انسان به عنوان مصداق بارز این ربوبیت، مطابق با فطرت و سرشت آن‌ها باشد. هم‌چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ

عَلَيْهَا^۹

عواملی که باعث ریزش‌های علمی می‌شود بسیار زیاد است. به طوری که علم خالص و بدون ریزش نادرالوصول است. در اغلب موارد ما به حادثه‌هایی که اتفاق می‌افتد احاطه کامل پیدا نمی‌کنیم. و حتی بسیاری از مواردی را که قبلاً به آن علم داشتیم با مرور زمان از صفحه ذهنمان پاک شده است و یا دست کم وضوح آن کم‌تر می‌شود.

از این روست که انسان‌ها در انجام کارهای روزمره دچار خطا و اشتباه علمی می‌شوند، مثلاً در تشخیص نوع بیماری، قاضی در شناسایی مجرم دچار اشتباه می‌شود. مجتهد در استنباط احکام شرعی به واقع اصابت نمی‌کند و یا در جهل مرکب می‌ماند یا اینکه به امارات و اصول عملیه پناه می‌برد، مکلف در فهم کلام مجتهد یا در تشخیص مصداق حکم دچار اشتباه می‌شود، یا حکمی را که می‌دانسته فراموش می‌نماید.

دوم: ریزش‌های عملی

حرکت عملی نیز همانند حرکت علمی راه‌گیزی از تراحمات ندارد. و هیچ فعلی در حرکت خود، از نیروهای مخالف یا غیر موازی در امان نیست. این ریزش‌ها گاهی اصل حرکت را تحت تاثیر قرار می‌دهند و گاهی در جزئیات آن تصرف می‌نمایند. مانند این‌که: پزشک جراح به سبب لرزش دستش باعث صدمه زدن به بیمار و یا حتی مرگ آن می‌شود، تاپیسیست به هنگام نوشتن، بعضی از کلمات را اشتباه می‌نویسد. نانو نان را می‌سوزاند، نمازگزار قادر به تلفظ صحیح برخی از کلمات نیست، یا این‌که نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند، روزه دار به خاطر ضعف بیش از حد مجبور به افطار می‌شود. مومنی به سبب تقیه مانند اهل سنت وضو می‌گیرد.

بنابراین، نتیجه اصالت تراحمات این می‌شود که هر حرکتی که در عالم ماده برای به دست آوردن علم و شناخت و یا انجام عمل و فعلی صورت پذیرد دارای ریزش بوده و ایده‌آل نخواهد بود.

ملاحظه تراحمات در مقام خلقت و ربوبیت

مشهور فقها معتقدند که میان نظام تکوین و ربوبیت هماهنگی تامی برقرار است و احکام شرعی از مصالح و مفاسد تکوینی تبعیت می‌نمایند.^۸

^۸ معتزله و امامیه معتقدند که احکام شرعیه، تابع مناطات و ملاکات هستند. ملاکات یعنی مصالح کامنه و ذاتی افعال (مثل اینکه نماز، روزه و ... مصلحت دارند، اعم از

^۹ الروم، ۳۰.

مصلحت جسمی و روحی، و مصلحت دنیوی و اخروی) و یا مفاسد و مضارّ درونی افعال (مثل اینکه شرب خمر، قمار و ... مفاسد دارند). شرح کفایة الأصول، ج ۳، ص ۸۲.

قیام یا یک سجده، حکم به بطلان نماز ننموده است. این در حالی است که بسیاری از این موارد عفو شده، از واجبات نماز است. شارع با این که این تخفیفها را لحاظ کرده، از بیان کردن نماز ایده‌آل نیز غفلت ننموده است مانند این که از مکلف می‌خواهد که نمازش را با حضور قلب کامل، صدایی حزین، لباسی آراسته، بدنی معطر و دهها ویژگی دیگر ادا کند.

با آنچه گفته شد معلوم می‌شود که احکام الهی در لوح محفوظ تشکیکی هستند بدین صورت که در هر مسئله‌ای یک حکم حداکثری و یک حکم حداقلی وجود دارد. خدای متعال نیز با ملاحظه ریزشها، در مقام جعل و انشاء احکام، ما را امر به انجام حکم حداکثری می‌نماید اما در مرحله پذیرش و قبول افعال انجام شده، عملی را که مطابق هر کدام از آنها باشد قبول می‌نماید و ریزشهای جزئی غیر عمدی را مبطل آن نمی‌داند. توضیح بیشتر در ادامه خواهد آمد.

بیان دوم: لزوم عبث از باور به دین در صورت غیر تشکیکی بودن احکام

اگر متعلق احکام شرعی را به صورت غیر تشکیکی فرض کنیم، بدین معنا است که وقتی عمل شرعی انجام شود، یا آن فعل به صورت کامل محقق شده و مصلحت آن به دست می‌آید و یا این که کلاً محقق نشده و مصلحت آن فعل فوت می‌شود و واسطه‌ای میان این دو نیست. به عبارتی اگر در این عمل ذره‌ای تراحم رخ داده و ریزشی به وجود آید و فعل به صورت کامل انجام نشود، در واقع فعل مورد نظر انجام نشده و مصلحت آن به دست نیامده است.

تفسیر احکام شرعی به این صورت تبعات زیادی را به دنبال دارد، زیرا ما می‌دانیم که اکثر احکام شرعی ترکیبی بوده و اجزای زیادی دارند. از طرف دیگر با توجه به تراحمات عالم ماده می‌دانیم که هم در مرحله علم به اجزای احکام شرعی اشتباهاتی رخ می‌دهد و هم در مرحله عمل به این اجزاء، خطاها و سهوهایی صورت می‌پذیرد. حال اگر قرار باشد که هر یک از این تراحمات و ریزشها بتوانند به تنهایی ما را از رسیدن به فعل مورد نظر باز بدارد و آن را فاقد هر گونه ارزشی بگرداند در این صورت اکثر قریب به اتفاق اعمال ما از اعتبار می‌افتد و دین بسان یک گوهر ناب دست نیافتنی خواهد شد.

برای مثال در صحت نماز صدها شرط دخیل است، از شرایط لباس و مکان و زمان و طهارت که جزء مسائل مقدماتی

بر این اساس وقتی خدای متعال قانونی را تشریح می‌نماید تا رفتارهای او را تنظیم و تعدیل کند، یا حقایق را بیان می‌دارد تا افکار او را اصلاح نماید، قطعاً موانع و ریزشها را در نظر می‌گیرد و متناسب با آن ربوبیت می‌کند. این امر با تتبع و تدبر در احکام شرعی به خوبی احساس می‌شود. مثلاً خدای متعال روزه واجب و حج واجب را که اعمال دشواری هستند، یکی را تنها یک ماه در سال و دیگری را تنها یک بار در عمر واجب نموده است. اما نماز که انجام آن آسان‌تر است، هر روز واجب نموده آن هم پنج نوبت. چون در عالم خارج گاهی آب یافت نمی‌شود، به جای وضو و غسل، تیمم قرار داده. انسان بر اساس تراحمات تکوینی، گاهی مریض می‌شود، گاهی معلول می‌شود، اقتضای غفلت و گناه را دارد. خدای متعال نیز همه اینها را در نظر گرفته و مطابق با آن برای افراد مریض و معلول تخفیفهایی در نظر می‌گیرد و استغفار و توبه را برای جبران غفلت و گناه قرار می‌دهد.

به عبارت دیگر خدای متعال از اول می‌دانسته که در جهان مادی، انسان در حالات و شرایط واحدی قرار ندارد تا برای او احکام واحدی را در همه حالات جعل نماید. بلکه از اول با توجه به هر موقعیت و محدودیت، احکامی متناسب با آن را برای وی در نظر گرفته است. برای مثال از ابتدا اطلاع داشته که انسان گاهی به آب دسترسی دارد و گاهی در معرض بی‌آبی قرار می‌گیرد برای همین در هنگام تشریح طهارت دو حالت را در نظر گرفته و برای حالت عادی وضو و غسل و برای حالت اضطرار تیمم را وضع نموده است.

بیان این مثال به صورت قاعده کلی‌تر این است که خدای متعال از اول می‌دانسته که در جهان مادی گاهی انسان در مقام علم به احکام دارای ریزشهایی است و گاهی در مقام عمل بدین جهت برای هر حالت وی احکام متناسب با آن را وضع نموده است. مانند احکام ظاهری در مقام ریزشهای علمی و احکام اضطراری در مقام ریزشهای عملی و این همان اجزاء است.

مثلاً شارع، نمازی را با مشخصات خاصی بر انسان واجب نموده است ولی با این حال می‌بینیم که در کمیت و کیفیت آن زیاد سخت‌گیری نکرده، بدین صورت که مثلاً فرموده است: اگر بعد از نماز و یا بعد از محل فهمیدی که حمد و سوره را نخوانده‌ای و یا مقداری از آن را اشتباه خوانده‌ای، نیاز به جبران یا اعاده ندارد. و یا ملاک را در صحیح بودن قرائت نماز تمایز حروف از هم‌دیگر قرار می‌دهد و قرائت صددرصدی و ایده‌آل را از مکلف انتظار ندارد. یا در مورد فراموش کردن تشهد یا یک سجده یا اضافه شدن غیر عمدی

می‌کند که یک معیار و شاخص ثابت و ایده‌آل وجود داشته باشد و گر نه ریزش قابل محاسبه نخواهد بود. مثلاً برای محاسبه ریزش در مقدار مصرف بنزین یک خودرو، ابتدا مصرف ایده‌آل آن را محاسبه می‌کنند سپس میزان مصرف آن را به هنگام وجود ریزش اندازه‌گیری می‌کنند. و در مرحله بعد تفاوت بین این دو مصرف را به عنوان ریزش در مصرف بنزین قرار می‌دهند. بنابراین اگر مصرف ایده‌آلی وجود نداشته باشد "وجود ریزش در مصرف" معنا نخواهد داد.

در بحث تشکیکی بودن احکام نیز وقتی می‌گوییم که خداوند ریزش‌ها را ملاحظه نموده و احکام را طوری جعل نموده که ریزش‌ها به آن آسیب نزنند، باید حکم واقعی وجود داشته باشد تا ریزش آن معلوم شود. در غیر این صورت ملاحظه ریزش در احکام، بدون وجود اصل احکام معنا ندارد و در این حالت هر عملی که انجام گیرد صد در صدی خواهد بود.

در قائلین به تصویب، مجتهد به هر حکمی برسد همان صحیح بوده و عمل به آن مجزی است و هیچ وقت نیاز به اعاده یا قضا ندارد.^{۱۱} در حالی که در نظریه تشکیک اگر به ارکان حکم واقعی که از آن تعبیر به «فرائض» می‌شود، خللی ایجاد شود و فعل از مواردی باشد که قابل جبران باشد، باید در صورت امکان اعاده یا قضا شود.

در نظریه تصویب هر حکمی که در یک موضوع داده شود به صورت صد در صدی صحیح بوده و هیچ کدام بر دیگری ترجیح ندارد. اما تشکیکی بودن احکام باعث می‌شود که هر حکمی به اندازه نزدیکی به حکم الله واقعی از وجاهت و ارزش برخوردار شود. و عزم‌ها در تقلا رسیدن به حکم ایده‌آل جزم شود.

نظریه تشکیک و تساهل در احکام

سوال دیگری که در مورد نظریه تشکیک مطرح می‌شود این است که آیا این نظریه موجب آسوده‌خاطری در کشف و انجام اعمال شرعی شده و از اهمیت آن نزد مجتهد و مکلف می‌کاهد به گونه‌ای که حتی اگر به بخشی از حکم حداکثری و کامل هم نرسد، عملش صحیح است؟!

در جواب باید گفت که اگر واقعا این مفسده را داشت باید از صدر اسلام تا کنون این تساهل در احکام اتفاق می‌افتاد و

هستند تا شرایط نیت و قیام و رکوع و سجود و شکایات که اجزاء داخلی نماز هستند را شامل می‌شود. برای همین اگر بخواهیم نمازمان صحیح باشد و باعث رشد ما شود باید در مرحله اول به حکم واقعی همه این شرایط و اجزاء دست پیدا کنیم و در مرحله دوم بدون هیچ ریزش و کاستی آن‌ها را انجام دهیم. در حالی که واقعیت بیرونی نشان می‌دهد که ما یکم به برخی از احکام واقعی نماز دسترسی نداریم بلکه مجبور به استفاده از احکام ظاهری و اصول عملیه می‌شویم. دوم: بیشتر انسان‌ها هر قدر هم که تلاش مخلصانه کنند نمی‌توانند نماز را با رعایت همه شرایط آن انجام دهند و به هر حال یا مقدمات نماز را به صورت دقیق و کامل فراهم نمی‌کنند، یا حضور قلب را در تمام نماز نمی‌توانند حفظ کنند، یا در ادای کلمات و افعال دچار اشتباه و سهو می‌شوند و یا موارد دیگر.

با این وضعیت وقتی انسان‌ها بدانند که اغلب اعمال آن‌ها صحیح نبوده و مصلحتی ندارد دیگر اقبالی برای انجام اعمال شرعی در آن‌ها نمی‌ماند. امر دین مختل شده و احکام شرعی جز پاره‌ای امر و نهی‌های غیر قابل اجرا چیز دیگری نخواهد بود. به عبارت دیگر اثبات بسیط و غیر تشکیکی بودن احکام به معنای اثبات غیر قابل اجرا بودن احکام و اختلال دین است.

تفاوت تشکیک با تصویب

با تبیینی که از تشکیکی بودن احکام شد، این سوال به وجود می‌آید که تفاوت آن با نظریه تصویب در چیست؟ آیا عبارت اخراج تصویب نیست؟! به هر حال طبق هر دو نظریه، اختلاف فتاوی فقها موجب بطلان عمل نشده و اعمال هر کدام از فتاوا صحیح است!

پاسخ از این سوال در ضمن سه نکته بیان می‌شود:

قائلین به تصویب وجود حکم واقعی را انکار می‌کنند.^{۱۲} در حالی که طبق نظریه تشکیک، حکم واقعی ضرورتاً باید وجود داشته باشد. توضیح اینکه: ریزش و اصطکاک در جایی معنا پیدا

^{۱۱}. و مرجع البحث بین هذین (یعنی تخطئه و تصویب)، الی آنه لله لله تعالی، فی کل واقعه لیس لها دلیل قطعی، حکم معین مخصوص فی الواقع یجب علی المجتهد ان یطلبه و یبذل جده فی تحصیله بحیث ین وصل الیه اجتهاده، فقد اصاب الی الواقع، و ان لم یصل فقد اخطأ ام لایكون کذلک، بمعنی انه لیس لله تعالی فی الظنات حکم معین مخصوص فی الواقع حتی یجب الوصول الیه، بل الحکم الالهی فیها تابع و متوقف علی آراء المجتهدین، فما أدت الیه انظارهم، و انتهت الیه اجتهادهم فهو حکم الله تعالی بالنسبة الی ذلک المجتهد فی حقه و فی حق مقلدیه. فلا يتصور فيه خطأ اصلا فی هذه الصورة، فکل مجتهد مصیب فی رأیه الی حکم الله واقعی فی حقه بحسب اجتهاده و استنباطه. (الاجتهاد و التقليد؛ ص ۱۴۴)

^{۱۲}. اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، ص ۹۸.

این قالب‌ها موجب فهم بهتر تشکیک شده و نتایج مهمی را نیز در پی دارد. در اینجا به بررسی برخی از این قالب‌ها می‌پردازیم:

مصلحتی فراتر از مصلحت ملزومه بیان می‌شود.

با توجه به ریزش‌هایی که هر حرکت و فعلی را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد، انسان‌ها نیز در مقابله با آن برای اینکه بتوانند افعال خود را به طور صحیح و صد در صدی انجام دهند معیارهایی فراتر از معیار اصلی را مد نظر خود قرار می‌دهند تا این تراحمات نتواند به اهداف اصلی آن‌ها ضربه وارد نماید. مثلاً اگر برای ساخت دیواری ۴۰۰ عدد آجر لازم است، بتاً برای ساخت آن ۴۵۰ آجر سفارش می‌دهد تا آجرهای شکسته باعث ناقص ماندن دیوار نشود. همچنین مسئولین همایش چون می‌دانند که مدعوین اغلب سرموقع حاضر نمی‌شوند، ساعت شروع همایش را نیم ساعت زودتر از زمان مد نظر اصلی خود اعلام می‌کنند تا بتوانند همایش را سر موقع برگزار نمایند.

بنابراین اگر کسی این کسر و انکسارات را در برنامه‌ها و قوانین خود اعمال ننماید در واقع با دست خود انجام نشدن مطالباتش را امضاء نموده است.

این مطلب واقعیت انسان در عالم ماده است از این رو در امور دینی هم که وظیفه انسان را در این عالم بیان می‌نماید صدق می‌کند و خدای متعال از آنجایی که می‌داند انسان، هم در علم به احکام شرعی و هم در عمل به احکام شرعی دچار تراحم و ریزش خواهد شد احکام شرعی را در معیاری فراتر از آنچه حداقل مد نظر وی است ابلاغ می‌نماید تا اینکه تراحمات جزئی باعث از بین رفتن مصلحت اعمال نشود.

برای مثال اصل نمازهای روزانه یک رکعتی بود و خدای متعال می‌دانست اگر به بندگان همین یک رکعت را امر نماید، آنها قادر نیستند آن را به طور کمال و تمام اقامه نمایند (این ریزش هم در مرحله علم به نماز و هم در مرحله عمل به آن قابل تصور است). به همین جهت یک رکعت نیز به این نمازها افزود تا نواقص آن یک رکعت با رکعت دوم برطرف گردد. سپس حضرت رسول اکرم (ص) نیز باز به همان دلیل قبلی دو رکعت دیگر به نمازها افزود... :

فَإِنْ قَالَ فَلِمَ جُعِلَ أَصْلُ الصَّلَاةِ رَكَعَتَيْنِ رَكَعَتَيْنِ وَلِمَ زِيدَ عَلَى بَعْضِهَا رَكَعَةٌ وَعَلَى بَعْضِهَا رَكَعَتَانِ وَلِمَ يُزَادُ عَلَى بَعْضِهَا شَيْءٌ قِيلَ لِأَنَّ أَصْلَ الصَّلَاةِ إِنَّمَا هِيَ رَكَعَةٌ وَاحِدَةٌ لِأَنَّ أَصْلَ الْعَدَدِ وَاحِدٌ فَإِذَا نَقَصْتَ مِنْ وَاحِدٍ فَلَيْسَتْ هِيَ صَلَاةً فَعَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ الْعِبَادَ لَا

فقهای شیعه بدون نگرانی و با سهل انگاری اجتهاد می‌نمودند زیرا خود فقها نیز قائل به این تشکیک بودند و احکام را به رکن و غیر رکن تقسیم می‌کردند. چیزی که مانع از تساهل می‌شود مشروط بودن عمل در مراتب پایین‌تر به بذل وسع افراد است. یعنی اگر شخص عمدا سهل انگاری کند و مساله را درست یاد نگیرد یا درست عمل نکند عمل وی باطل خواهد بود و تنها در صورتی مجاز به مراتب پایین‌تر است که دست‌پایی و عمل به مراتب بالاتر برای وی ممکن نباشد.

حدود تشکیک در احکام

تشکیکی بودن به این معنا نیست که برای هر حالتی که انسان در آن قرار می‌گیرد حتما حکم وی نیز تغییر پیدا نماید. بلکه همان‌گونه که غیر تشکیکی بودن احکام متناسب با ساختار زندگی انسان در نظام تکوین نیست، تنوع بیش از حد احکام نیز مشکلات زیادی را ایجاد می‌نماید و هم باعث سخت شدن آگاهی به این احکام متنوع می‌شود و هم عمل نمودن به این احکام را دشوار می‌سازد. از این رو تشکیک در احکام و قوانین باید محدود باشد. برای مثال در اوقات صلوه آنچه مد نظر خداست نماز اول وقت است و آخر وقت را فقط برای ضعیف و معلول قرار داده است. ولی از آنجاییکه نخواستند تعدد احکام شود و حکم قوی با ضعیف تفاوت نماید، برای قوی نیز تا آخر وقت رخصت داده است. این قاعده در سایر فرائض نیز وجود دارد و خدای متعال تا جایکه امکان داشته باشد احکام را بر اساس قوت ضعیف‌ترین افراد قرار می‌دهد:

وَ إِنَّمَا جُعِلَ آخِرُ الْوَقْتِ لِلْمَعْلُولِ فَصَارَ آخِرُ الْوَقْتِ رُخْصَةً لِلضَّعِيفِ بِحَالِ عَلَيْهِ فِي نَفْسِهِ وَ مَالِهِ وَ هِيَ رُخْمَةٌ لِلْقَوِيِّ الْفَارِغِ لِعَيْلَةِ الضَّعِيفِ وَ الْمَعْلُولِ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ الْفَرَائِضَ عَلَى أضعَفِ الْقَوْمِ قُوَّةً لَيْسَتْ يَوْفَى فِيهَا الضَّعِيفُ وَ الْقَوِيُّ^{۱۲}.

مرجع تشخیص حدود تشکیک در احکام توقیفی با احکام عرفی متفاوت است. در احکام توقیفی مانند نماز و روزه، حدود آن را شرع تعیین می‌نماید و در احکام عرفی مانند برخی از احکام احترام به والدین و معاملات، عرف تعیین می‌کند.

قالب‌های ظهور تشکیکی بودن احکام

با بررسی احکام شرعی و تحلیل آن‌ها متوجه می‌شویم که تشکیک خود را در قالب‌ها و صور مختلفی نشان می‌دهد، بررسی

^{۱۲}. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۷۵.

است «تتمیم کشف یا تنزیل مؤدای ظن به منزله واقع و یا صرفاً از باب امر به عمل طبق اماره»، دیگر وجود نخواهد داشت.^{۱۴}

همچنین می‌توان گفت که پیچ و خم‌های مبحث اجزاء احکام ظاهری از احکام واقعی نیز از بین می‌رود که در ادامه به آن می‌پردازیم:

اجزاء احکام ظاهری از احکام واقعی.

در برخی از مواقع مجتهد متوجه می‌شود که آن حکمی که قبلاً به آن رسیده بوده است حکم درستی نبوده است و حکم واقعی، حکمی غیر آن بوده است. در اینجا این سوال پیش می‌آید که آن احکام ظاهری که قبلاً به آن رسیده بود و طبق آن عمل می‌شد مجزی از حکم واقعی است یا نه؟

بر اساس توضیحاتی که در بالا گفته شد (و همچنین در ادامه خواهد آمد)، معلوم می‌شود که در برخی موارد حکم ناقصی که به آن رسیده بوده‌ایم تنها دارای ریزش‌های جزئی هستند که به اصل عمل آسیب نمی‌زنند. بنابراین این نوع ریزش‌ها همان ظرفیت‌هایی هستند که خدای متعال برای مواقع ضروری در احکام قرار داده است. از همین رو مصلحت اصل فعل تامین شده و نیازی به اعاده و جبران فعل نیست.

به عبارت دیگر این نوع از احکام ظاهری که نزدیک به احکام واقعی ایده‌آل هستند، خود، احکام واقعی در هنگام ضرورت و به تعبیر دیگر احکام واقعی ثانوی هستند. از این رو در زمان ضرورت که در اینجا جهل به حکم واقعی اولی است، مجزی می‌باشند.

با این نگاه، انحصاری که در تعلیل مجزی نبودن این احکام آورده می‌شود از هم می‌شکند:

و لکن یقال له (به کسانی که قائل به مجزی بودن هستند): إنَّ التبدلَ الَّذی حصل له (یعنی رسیدن از حکم ظاهری به حکم واقعی) إما أن یدعی أَنه تبدل فی الحکم الواقعی أو تبدل فی الحجَّة علیه. و لا ثالث لهما.^{۱۵}

يُؤَدُونَ تِلْكَ الرَّكْعَةَ الْوَاحِدَةَ الَّتِي لَا صَلَاةَ أَقْلٌ مِنْهَا بِكَمَالِهَا وَ تَمَامِهَا وَ الْإِقْبَالَ عَلَيْهَا فَفَرَنَ إِلَيْهَا رَكْعَةً أُخْرَى لِيَتِمَّ بِالتَّائِيَةِ مَا نَقَصَ مِنَ الْوَأُولَى فَفَرَضَ اللَّهُ أَصْلَ الصَّلَاةِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ عَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنَّ الْعِبَادَ لَا يُؤَدُونَ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ بِتَمَامٍ مَا أَمَرُوا بِهِ وَ بِكَمَالِهَا فَضَمَّ إِلَى الظُّهُرِ وَ العَصْرِ وَ العِشَاءِ الْآخِرَةَ رَكْعَتَيْنِ رَكْعَتَيْنِ لِيَكُونَ فِيهَا تَمَامُ الرَّكْعَتَيْنِ الْوَأُولَيْنِ ثُمَّ عَلِمَ أَنَّ صَلَاةَ الْمَغْرِبِ يَكُونُ شَعْلُ النَّاسِ فِي وَفْتِهَا أَكْثَرَ لِلانْصِرَافِ إِلَى الْإِفْطَارِ وَ الْأَكْلِ وَ الوُضُوءِ وَ التَّهَيُّئَةِ لِلْمَبِيَّتِ فَزَادَ فِيهَا رَكْعَةً وَاحِدَةً لِيَكُونَ أَحْفَ عَلَيْهِمْ وَ لِأَن تَصِيرَ رَكْعَاتُ الصَّلَاةِ فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ فَرْدًا ثُمَّ تَرَكَ الْعِدَاةَ عَلَى حَالِهَا لِأَنَّ الْإِشْتِغَالَ فِي وَفْتِهَا أَكْثَرَ وَ الْمُبَادَرَةَ إِلَى الْخَوَائِجِ فِيهَا أَعْمٌ وَ لِأَنَّ الْقُلُوبَ فِيهَا أُخْلِى مِنَ الْفِكْرِ لِغَلَّةِ مَعَامَلَاتِ النَّاسِ بِاللَّيْلِ وَ قَلَّةِ الْأَخْذِ وَ الْإِعْطَاءِ فَالْإِنْسَانُ فِيهَا أَقْبَلَ عَلَى صَلَاتِهِ مِنْهُ فِي غَيْرِهَا مِنَ الصَّلَوَاتِ لِأَنَّ الْفِكْرَ أَقْلُ لِعَدَمِ الْعَمَلِ مِنَ اللَّيْلِ.^{۱۳}

از این مبنا در مباحث آتی نیز استفاده و افرو خواهیم نمود.

حجیت برخی از ظنون معنا پیدا می‌کند.

از آنجایی که خدای متعال احکام را به صورت تشکیکی جعل نموده و در ابلاغ آن نیز دست بالا را گرفته است تا ریزش‌های جزئی علمی و عملی در اصل آن خلل ایجاد ننماید، به همین جهت نیز در صورت عدم دسترسی به علم، برخی از ظنون را هم که به وسیله آن‌ها احکام الهی با ریزش‌های جزئی کشف می‌شود حجت می‌داند زیرا با این ریزش‌های جزئی به اصل عمل آسیب وارد نمی‌شود.

بر این اساس ما خطا و خلاف واقع بودن برخی از این ظنون را در کنار اصابت حد اکثری آن‌ها می‌پذیریم اما از آنجایی که این مقدار از خطاهای جزئی که معمولاً در فروع و غیر ارکان رخ می‌دهد به صورت نوعی در اصل و ارکان اعمال خلل ایجاد نمی‌کنند، از همین رو این ظنون را حجت می‌دانیم.

با این تحلیل از ظنون معتبر، نحوه حجیت آن‌ها تا حدود زیادی روشن می‌شود و نیازی به بحث‌های پیچیده‌ای که در طریقی یا سببی بودن آن شده، احساس نمی‌شود و همچنین بحث‌های نفس‌گیری که در مورد لسان حجیت آن به وجود آمده

^{۱۴}. (فاعل) ان حجیة الامارات اما ان تكون على نحو الطريقية و اما ان تكون على نحو السببية و على التقديرين اما ان يكون تنجيزها من باب تتميم كشفها او من باب تنزيل مؤداهها منزلة الواقع او من باب الامر بالعمل على طبق الامارة بلا ضم اتمام الكشف او تنزيل المؤدى... بدائع الافكار في الأصول، ص ۲۹۲.

^{۱۵}. أصول الفقه (طبع انتشارات اسلامی)، ج ۲، ص ۳۱۴.

^{۱۳}. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۶۱.

الْعَصْرَ وَ بَعْضُهُمْ يُصَلُّونَ الظَّهْرَ فَقَالَ أَنَا أَمَرْتُهُمْ بِهَذَا لَوْ صَلَّوْا فِي وَفْتٍ
وَاجِدٍ لَعَرَفُوا فَأَخَذُوا بِرِقَابِهِمْ.^{۱۶}

در این روایت امام صادق(ع) به وسیله ظرفیتی که در وقت نماز ظهر وجود دارد احکام را طوری اختلافی بیان می‌نماید که از طرفی وحدت رویه از بین رفته و جان شیعیان حفظ شود و از طرف دیگر نماز خارج از وقت خوانده نشود.

باز تاکید می‌کنیم این تحلیل در برخی از احکام تقیه‌ای می‌تواند صدق نماید و آن بیشتر در باب عبادات است اما در برخی ابواب دیگر مانند نکاح، گاهی تقیه سبب می‌شد که امام (ع) حکمی خلاف حکم قرآن صادر نماید. در چنین حالاتی خود فعل تقیه‌ای هیچ مصلحتی را تأمین نمی‌کند.

احکام مختلف در شرایط اختیار و اضطرار بیان می‌شود.

خدای متعال از اول می‌دانسته که انسان همیشه در حالت اختیار و ایده‌آل قرار ندارد. برای همین نیز انسان را در دو حالت اختیار و اضطرار مد نظر قرار داده و برای هر یک از آن دو حالت از اول احکام خاص آن را جعل نموده است. نه اینکه ابتدا برای انسان به صورت مطلق احکام اختیاری وضع نموده باشد. سپس برای شرایط اضطراری نیز این احکام اختیاری را معلق گرداند و احکام اضطراری را جایگزین نماید.

اجزاء احکام اضطراری از اختیاری.

با این تبیین بحث اجزاء احکام اضطراری از احکام اختیاری لغو خواهد بود. زیرا این بحث زمانی قابل تصور است که ما این پیش فرض را داشته باشیم که خدای متعال اولاً در همه حالات، حتی در حالت اضطرار نیز احکام اختیاری را از مکلف انتظار دارد. و احکام اختیاری بر ذمه مکلف در همه حالات فعلیت یافته است. اما با عارض شدن اضطرار که نتیجه آن انجام احکام اضطراری است فعلیت احکام اختیاری معلق می‌شود. سپس با از بین رفتن اضطرار شک می‌شود که آیا آن حکم اختیاری باز هم معلق مانده یا دوباره فعلیت می‌یابد و باید اعاده یا قضا شود.

این در حالی است که این پیش فرض خلاف بیان ما در تشکیکی بودن احکام و لحاظ تراحمات در مقام ربوبیت است زیرا در توضیح این مبنا گفته شد که خدای متعال از اول برای شرایط

زیرا در اینجا گفته می‌شود که این تبدیل نه تبدیل در حکم واقعی است و نه در حجیت آن. بلکه حکم قبلی حکم واقعی ثانوی بود که در هنگام ضرورت و عدم علم به حکم واقعی حجت بود و حکم الاتنی نیز حکم واقعی اولیه است که در شرایط جدید حجت است.

قابل ذکر است که تحلیلی که در اینجا از مجزی بودن احکام ظاهری شد تنها تا جایی می‌تواند اجزاء را ثابت نماید که به ارکان و فرائض فعل خلل وارد نشده باشد. اما اجزاء در جایی که ریزش بیش از این باشد با این تحلیل اثبات نمی‌شود.

احکام تقیه‌ای

در مورد ماهیت احکام تقیه‌ای دو راه پیش رو داریم. یکم: این احکام غیر از احکام واقعی هستند و مصلحت ملزمه احکام واقعی را تأمین نمی‌کنند و تنها کارایی آن‌ها حفظ جان شیعیان از جور حکام ظالم است. این قول با توجه به گسترده‌گی احکام تقیه‌ای، مجزی بودن این احکام، حکم به تخییر در مقام تعارض ادله و سایر دلایل، استبعادات زیادی دارد. دوم: با تبیینی که از تشکیکی بودن احکام انجام گرفت قائل شویم که برخی از احکام تقیه‌ای نیز با وجود ریزش‌هایی در آن‌ها نسبت به احکام واقعی وجود دارد اما باز هم در دایره احکام واقعی قرار دارند و مصلحت ملزمه را تأمین می‌نمایند و این ریزش‌ها در حیطه همان کسر و انکساراتی است که خدای متعال قبلاً در نظر گرفته است. خدای متعال نیز به خاطر ضرورت تقیه و عدم علم به احکام واقعی اولی، این احکام را تا رفع ضرورت به حجت می‌داند. بنابراین همان حرفی که در حجیت احکام ظاهری که از ظنون معتبر به دست می‌آید گفته شد، در اینجا نیز صادق است و احکام تقیه‌ای، احکام واقعی به هنگام ضرورت یا همان احکام واقعی ثانوی هستند.

به عبارت دیگر ائمه(ع) با استفاده از این ظرفیتی که خدای متعال در مقام ضرورت قرار داده است، احکام تقیه‌ای را طوری ابلاغ می‌نمودند که با وجود تأمین شدن اغراض تقیه، مصلحت ملزمه نیز از دست نرود.

سَأَلِمُ مَوْلَى أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلَهُ
إِنْسَانٌ وَ أَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ رَبِّمَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ وَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا يُصَلُّونَ

^{۱۶}. الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج ۱، ص ۲۵۷.

از این روند به این نتیجه می‌رسیم که در نظام تکوین این ظرفیت وجود دارد که برای رسیدن به یک هدف و مصلحت، راه‌های متنوعی را پیش روی ما قرار دهد.

اگر این رویه را در عرصه دین نیز بررسی نماییم می‌بینیم که باز همین منوال حفظ شده است. در رکعت سوم، هم می‌توان حمد خواند و هم تسبیحات اربعه، در مورد خود تسبیحات هم چندین حالت گفته شده است:

و یجزی فی غیرهما من الرکعات الحمد وحدها، أو التسبیح بالأربع المشهورة أربعة: بأن یقولها مرة أو تسعا بإسقاط التکبیر من الثلاث علی ما دلت علیه روایة حریز، أو عشرة بإثباته فی الأخيرة أو اثنی عشر بتکریر الأربعة ثلاثا، و وجه الاجتزاء بالجميع ورود النص الصحیح بها.^{۱۸}

کفاره روزه واجبی که عمدا افطار شده است را به سه طریق می‌توان ادا نمود:

و الکفارة عتق رقبة أو صیام شهرین متتابعین أو إطعام ستین مسکینا علی التخییر عند أكثر علمائنا^{۱۹}

در طریقه انجام هر یک از این سه مورد نیز راه‌ها و حالت‌های مختلفی وجود دارد. کسی که در حال احرام صید بکند باید کفاره بدهد و در کفاره دادن نیز سه راه پیش رو دارد:

جزاء الصيد علی التخییر بین إخراج المثل، أو بیعه و شراء الطعام و التصدق به، و بین الصوم عن کل مد یوما، و به قال جميع الفقهاء.^{۲۰}

در طریقه انجام غسل دو طریق ترتیبی و ارتماسی گفته شده، در جبران یک رکعت فوت شده هم می‌توان یک رکعت ایستاده به جا آورد و هم دو رکعت نشسته. این قبیل در واجبات کم نیستند.

اما در مستحبات این تشکیک بسیار زیادتر است. نماز شب ۱۱ رکعت است با اعمال و شرایط خاص اما می‌توان از آداب آن کاست به طوری که تنها یک رکعت نماز وتر آن هم به طور کاملا خلاصه به جا آورد. در نمازهای مستحبی می‌توان در رکوع و سجده به اشاره کردن اکتفا نمود. رعایت قبله و قیام لازم نیست.

مختلف انسان احکام متفاوتی را جعل نموده است. و هیچ نوع حکم اختیاری در ذمه شخصی که در حالت اضطرار قرار دارد وجود ندارد، چه از نوع فعلی آن و چه از نوع معلق آن. برای همین نیز نسبت احکام اضطراری به احکام اختیاری از نظر مجزی بودن یا نبودن همانند یک حکم اختیاری نسبت به سایر احکام اختیاری است.

شاید بیان سوم مرحوم مظفر در مجزی بودن احکام اضطراری از اختیاری اشاره به همین بیان است:

إنّ القضاء بالخصوص إنّما یجب فیما إذا صدق الفوت، و یمکن أن یقال: إنّ لا یرصد «الفوت» فی المقام، لأنّ القضاء إنّما یفرض فیما إذا كانت الضرورة مستمرة فی جميع وقت الأداء، و علی هذا التقدير لا أمر بالکامل فی الوقت، و إذا لم یکن أمر فقد یقال: إنّ لا یرصد بالنسبة إلیه «فوت الفریضة» إذ لا فریضة.

و أمّا الأداء فإنّما یفرض فیما یجوز البدار به، و قد ابتدر المکلف - حسب الفرض - إلى فعل الناقص فی الأزمنة الاولی من الوقت ثم زالت الضرورة قبل انتهاء الوقت، و نفس الرخصة فی البدار - لو ثبتت - تشير إلى مسامحة الشارع فی تحویل الکامل عند التمكن، و إنّما یفرض علیه الانتظار تحویلاً للکامل.^{۱۷}

با این تحلیل اصل اولیه مجزی بودن احکام اضطراری از احکام اختیاری خواهد بود. بنابراین برای مجزی بودن دلیل خاص لازم است نه برای مجزی بودن. و فرض هم این است که برای مجزی بودن دلیل خاصی نداریم.

انجام یک عمل به چند نحو بیان می‌شود

در زندگی عادی ما، معمولا انجام کارها محدود به یک حالت نیست. اگر بخواهیم ورزش کنیم تا سلامتی بدنمان را به دست آوریم لازم نیست حتما به یک تعداد حرکات با مشخصات و نحوه خاص ملتزم باشیم بلکه چندین نوع ترکیب از حرکات وجود دارد که معمولا در اصول یکسان هستند ولی در جزئیات مقداری تفاوت می‌کنند و همه آن‌ها هم می‌توانند سلامتی بدن را تامین نمایند. البته ممکن است بعضی از آن‌ها از برخی دیگر موثرتر و مفیدتر باشد. در غذا خوردن، لباس پوشیدن، مداوای مریض، هدیه دادن به دیگران، ابراز محبت و سایر کارها هم معمولا همین روند وجود دارد.

^{۱۸}. الروضة البهیة فی شرح اللعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)؛ ج ۱، ص ۵۹۵.

^{۱۹} تذکرة الفقهاء (ط - الحدیثة)، ج ۶، ص ۵۲.

^{۲۰} الخلاف، ج ۲، ص ۴۰۲.

^{۱۷}. أصول الفقه (طبع انتشارات اسلامی)، ج ۲، ص ۳۰۶.

جبران یا اعاده فعل خواسته نمی‌شود. همچنین اگر نماز جهری را به صورت اخفات بخواند، یک سجده در هر رکعت اضافه یا کم نماید یا در ذکر رکوع و سجده اخلاص ایجاد کند، باز از او اعاده نمی‌خواهد. این رویه تا جایی ادامه دارد که امام صادق(ع) در یک قاعده کلی می‌فرماید که:

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَعَادَ الصَّلَاةَ فَقِيَّةً قَطُّ يَحْتَالَ
لَهَا وَ يُدَبَّرُهَا حَتَّى لَا يُعِيدَهَا.^{۲۳}

که البته با توجه به سایر روایات فهمیده می‌شود که این تدبیر در برخی از موارد به وسیله جبران است و در برخی موارد حتی جبران نیز نمی‌خواهد.

در حج هم همین ویژگی‌ها برقرار است. مثلاً اگر سهواً یک شوط یا بیشتر بر سعی (بین صفا و مروه) بیفزاید سعیش صحیح است.^{۲۴} یا اینکه وقوف در عرفات از ظهر تا غروب واجب است ولی اگر به مقدار مسماً «بودن» وقوف کند و بقیه آن را، عمدتاً ترک کند حشش صحیح است اگر چه گناه کرده است.^{۲۵}

در اینجا این سوال پیش می‌آید که اگر واقعا این امور واجب که به آن‌ها خلل وارد شده است دارای مصلحت ملزمه بوده‌اند، چرا شارع در برخی موارد جبران آن را نخواست است و اگر دارای مصلحت ملزمه نبوده‌اند چرا آن‌ها را واجب نموده است؟

اگر بخواهیم با بی‌توجهی به تشکیکی بودن احکام و اینکه خدای متعال در ابلاغ احکام دست بالا را گرفته است، به این سوال جواب بدهیم، به مشکل خواهیم افتاد. اما با در نظر گرفتن این قاعده مسئله حل خواهد شد و خواهیم گفت که در این گونه‌ریزش‌ها که خدای متعال جبران را نمی‌خواهد اصل عمل حفظ شده است و آنچه در معرض خلل واقع شده است ریزش‌هایی بوده که خدای متعال قبلاً آن‌ها را در نظر گرفته بود. همان چیزی که در روایات به نام رکن و غیر رکن، یا فرض و واجب تعبیر شده است. آنچه که رکن یا فرض نباشد، اخلاص غیر عمدی در آن باعث بطلان فعل نمی‌شود.

مثلاً سعی میان صفا و مروه فرض نیست بلکه سنت واجبه‌ای است که پیامبر اکرم(ص) تشریح نموده است. برای همین

این نوع تنوع در اعمال نشان می‌دهد که در شرع نیز لازم نیست که برای انجام یک تکلیف تنها یک راه وجود داشته باشد. بلکه گاهی شرع راه‌های متنوعی را پیش روی ما قرار می‌دهد.

توجه به این مطلب باعث می‌شود که فقیه در استنباط احکام مقداری فضا را بازتر ببیند و در جمع روایات خود را ملزم نداند که حتماً همه آن‌ها را به یک جمع واحد برساند. بلکه این احتمال را هم معقول بداند که شاید روایات، چند راه مختلف را برای ادای تکلیف پیش روی وی قرار دهند.

بر این اساس بعید نیست که برخی روایات متعارض قابلیت حکم واقع شدن را داشته باشند و استبعاداتی که در مصیبت بودن هر کدام از روایات متعارض وجود داشت کم شود و در این موارد حکم تخییری که به عنوان قاعده ثانویه در بحث تعارض ادله مطرح می‌شود معنا پیدا می‌کند زیرا ما صرفاً به دنبال رسیدن به یک حکم واقعی در هر مسئله نیستیم بلکه احتمال وجود چند حکم واقعی را می‌دهیم.

مانند استفاده‌ای که مرحوم مظفر از توقیعه عبدالله^{۲۱} بن محمد می‌نماید:

من المحتمل أن يراد من التوقيع بيان التخيير في العمل بكل من المرويين باعتبار أن الحكم الواقعي هو جواز صلاة ركعتي الفجر في السفر في المحمل و على الأرض معا لا أن المراد التخيير بين الروايتين فيكون الغرض تخطئة الروايتين. و هو احتمال قريب جدا...^{۲۲}

تفاوت میان رکن و غیر رکن یا فرض و واجب ایجاد می‌شود.

در احکام شرعی موارد زیادی وجود دارد که اولاً انجام فعلی از مکلف به صورت وجوبی خواسته شده است. اما وقتی مکلف در آن به علل غیر عمدی مانند خطا یا نسیان خلل ایجاد می‌کند، با وجود امکان اعاده، از او اعاده و یا جبران خواسته نمی‌شود. مانند اینکه قرائت در نماز واجب است اما اگر به علل غیر عمدی این واجب به جا آورده نشود و شخص از محل آن گذر کرده باشد، از او

^{۲۱} مُحَمَّدٌ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عِ اِخْتَلَفَ اَصْحَابُنَا فِي رَوَايَاتِهِمْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رُكْعَتِي الْفَجْرِ فِي السَّفَرِ فَرَوَى بَعْضُهُمْ أَنَّ صَلَاتَهُمَا فِي الْمَحْمَلِ وَ رَوَى بَعْضُهُمْ أَنَّ لَهَا صَلَاتَهُمَا إِلَّا عَلَى الْأَرْضِ فَأَعْلَمُنِي كَيْفَ تَصْنَعُ أَنْتَ لِأَقْتَدِيَ بِكَ فِي ذَلِكَ فَوَقَّعَ ع مَوْسَعٌ عَلَيْهِ بِأَيْتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَهْدِيبُ الْأَحْكَامِ، ج ۳، ص ۲۲۸.
^{۲۲} أصول الفقه (طبع اسماعيليان)، ج ۲، ص ۲۴۰.

^{۲۳} هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۳، ص ۳۴۹.

^{۲۴} . تحرير الوسيلة - ترجمة، ج ۲، ص ۲۴۱.

^{۲۵} . مناسك حج (محمشي، شيخ انصاري)، ص ۸۴.

که شارع توجه کامل به همه واقعیات این عالم داشته است. بیش از خود مکلف به فکر اوست و هیچ یک از تلاش‌های وی را بی‌ثمر نخواهد گذاشت.

تعدیل فضای احتیاطی در روند استنباط و عمل

وقتی نگاه ما این باشد که تنها یک حکم واقعی در لوح محفوظ وجود دارد و یک اشتباه کوچک در استنباط یا عمل به حکم، موجب فوت عمل خواهد شد و در عالم واقع نیز هم فضای استنباط احکام و هم فضای عمل به آن بسیار لغزنده است، صرف توجه به این مطالب یک فشار روانی و فکری شدیدی برای فرد ایجاد می‌کند که یا وی را به کلی از این کار منصرف می‌نماید، یا حداقل بیش از حد متعارف وی را وادار به احتیاط می‌کند. اما با تبیینی که در اینجا ارائه شد این فضا به کلی شکسته شده و یک آرامش خاصی به فرد القا می‌گردد.

شناخت صحیح‌تر از احکام

در صورت عدم توجه به تشکیک بودن احکام سوالات بسیاری به وجود می‌آید که جواب روشنی ندارند. مانند اینکه: چرا خدای متعال برخی از احکام را برای ما واجب می‌کند ولی در مواردی ریزش در آن را می‌پذیرد. در حالی که ما به مصلحت آن عمل نرسیده‌ایم. یا اینکه آیا فتاوی مختلف که در یک حکم داده می‌شود و با هم در موارد جزئی تفاوت دارند صحیح هستند؟

به هر حال وقتی حکم واقعی یکی است تنها یکی از این فتاوا قابلیت مصیب بودن را دارد. دیگر اینکه چه رابطهای بین احکام واقعی اولی با احکام ظاهری، تقیه‌ای، اضطراری و حجیت برخی از ظنون وجود دارد.

اما با نظریه‌ای که ارائه شد جواب این سوالات به آسانی داده می‌شود و جایی برای شبهه باقی نمی‌ماند. زیرا در جواب گفته می‌شود که این گونه ریزش‌ها در اصل عمل خللی ایجاد نمی‌کنند و مصلحت اصل عمل حاصل می‌شود.

۶- نتیجه‌گیری

برخی از نتایجی که از این نوشتار به دست می‌آید بدین ترتیب است:

لازم است مبانی به کار رفته در هر علمی روشن و شفاف شده، پیامدهای آن مورد توجه قرار گیرد.

اخلال غیر عمدی در آن باعث بطلان حج نمی‌شود برخلاف طواف کعبه که فرض است و اخلال به آن باعث بطلان حج می‌شود:

عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعًا طَوَّافَ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ غَمَزَهُ بَطْنُهُ فَخَرَجَ فَقَضَى حَاجَتَهُ ثُمَّ غَشِيَ أَهْلَهُ قَالَ يَغْتَسِلُ ثُمَّ يَعُودُ فَيَطُوفُ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ وَ يَسْتَغْفِرُ رَبَّهُ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ قُلْتُ فَإِنْ كَانَ طَافَ بِالْبَيْتِ طَوَّافَ الْفَرِيضَةِ فَطَافَ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ غَمَزَهُ بَطْنُهُ فَخَرَجَ فَقَضَى حَاجَتَهُ فَغَشِيَ أَهْلَهُ فَقَالَ أَفَسَدَ حَجَّتَهُ وَ عَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَ يَغْتَسِلُ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَطُوفُ أُسْبُوعًا ثُمَّ يَسْعَى وَ يَسْتَغْفِرُ رَبَّهُ قُلْتُ كَيْفَ لَمْ تَجْعَلْ عَلَيْهِ حِينَ غَشِيَ أَهْلَهُ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ مِنْ سَعْيِهِ كَمَا جَعَلْتَ عَلَيْهِ هَذَا حِينَ غَشِيَ أَهْلَهُ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ مِنْ طَوَّافِهِ قَالَ إِنَّ الطَّوَّافَ فَرِيضَةٌ وَ فِيهِ صَلَاةٌ وَ السَّعَى سُنَّةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)...^{۲۶}

همچنان که در نماز نیز پنج رکن و فریضه داریم که در غیر آن‌ها نماز اعاده نمی‌شود:

رَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ قَالَ: لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ حَمْسَةِ الطَّهْوَرِ وَ الْوَقْتِ وَ الْقِبْلَةِ وَ الرَّكُوعِ وَ السُّجُودِ ثُمَّ قَالَ الْقِرَاءَةُ سُنَّةٌ وَ التَّشَهُدُ سُنَّةٌ فَلَا تَنْقُضُ السُّنَّةُ الْفَرِيضَةَ^{۲۷}

در این روایت به این قاعده کلی تصریح شده است که خلل در سنت و واجبه باعث بطلان فرائض نمی‌شود.

تاثیر تشکیکی بودن احکام بر فضای کلی حاکم بر دین

تبیینی که از مشکک بودن احکام صورت گرفت در تصویری که ما از فضای کلی حاکم بر دین داریم تاثیر می‌گذارد و برخی از رابطه‌ها که میان اجزاء ربوبیت و تشریح الهی وجود دارد را واضح‌تر از قبل می‌سازد. در اینجا به برخی از این تاثیرات اشاره می‌کنیم:

تلطیف نگاه به دین

در نگاه غیر تشکیکی به احکام، تصویری خشک و غیر واقع بینانه از دین به وجود می‌آید. دینی که ملازمات عالم ماده را در نظر نگرفته و امر به حکمی می‌نماید که غالباً دست نیافتنی است و مکلف از اول می‌داند که طعم رسیدن به مصلحت اعمال را نخواهد چشید. در حالی که با تبیین تشکیکی بودن احکام، مشخص می‌شود

^{۲۶} الکافی، ج ۴، ص ۳۷۹، ح ۷.

^{۲۷} من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۹.

مقالات و کتبی بررسی شده، و میزان صحت و سقم و تأثیری که بر این علوم دارند آشکار شود. بنای عقلایی، مفهوم شرط، اصل اولی در اوامر و نواهی نمونه‌هایی از این مبانی هستند.

علوم بین رشته‌ای می‌توانند در تأمین مبانی علوم، نقش اساسی ایفا کنند و علوم مختلف را در رسیدن به یک هدف مشخص بسیج نمایند. پیشنهاد می‌شود علوم بین رشته‌ای در میان دانش‌های حوزوی ایجاد شود تا از ظرفیت‌های هر علمی در سایر علوم استفاده بهینه انجام پذیرد. کتابی که بتواند قواعد کلامی مورد استفاده در فقه را تدوین نماید یکی از مفیدترین این علوم خواهد بود. البته در این زمینه کارهایی در حال انجام است.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

از آقای دکتر عبدالله عزیززاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود. از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

۷- منابع

- قرآن.
- خمینی، سید روح الله موسوی - مترجم: اسلامی، علی، تحریر الوسیله - ترجمه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۲۱، ۱۴۲۵ ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، ۲ جلد، کتاب فروشی دوری - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م.
- اصفهانی، سید ابو الحسن، وسیله الوصول الی حقائق الأصول - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۲ ق.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، مناسک حج (محتسبی، شیخ انصاری)، در یک جلد، مجمع الفکر الاسلامی، قم - ایران، اول، ۱۴۲۵ ق.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، مطارح الأنظار (طبع جدید) - قم، چاپ: دوم، ۱۳۸۳ ش.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الأصول (طبع آل البيت) - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
- حسینی شهرستانی، محمد حسین، غایة المسؤل فی علم الأصول - قم، چاپ: اول، -
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء (ط - الحدیث)، ۱۴ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ق.
- خوبی، ابوالقاسم، الهدایة فی الأصول - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۷ ق.
- خوبی، ابوالقاسم، محاضرات فی اصول الفقه (طبع مؤسسه احیاء آثار السید الخوئی) - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۲ ق.
- روحانی، محمد، منتقى الأصول - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.

یکی از ویژگی‌های عالم ماده وجود تراحمات در حرکات و افعال می‌باشد و این امر موجب ریزش‌های علمی و عملی می‌شود.

بر اساس هماهنگی بین نظام تکوین و ربوبیت، خدای متعال تراحمات عالم ماده را هم در خلقت و هم در ربوبیت لحاظ نموده است.

تشکیکی بودن احکام نتیجه لحاظ تراحمات در نظام ربوبیت است.

غیر تشکیکی بودن احکام منجر به لزوم عبث از باور دین شده، بسیاری از مفاهیم را مبهم و سوالات زیادی را ایجاد می‌نماید.

این مبنا تفاوت‌های اساسی با نظریه تصویب دارد. و نیز موجب تساهل در احکام نیز نمی‌شود.

حدود تشکیک را در مسائل توقیفی و عبادی، شرع تعیین می‌نماید و در مسائل عرفی، عرف تعیین می‌کند.

خدای متعال در ابلاغ احکام مصلحتی فراتر از مصلحت حداقلی را مبنا قرار می‌دهد. براین اساس حجیت برخی از ظنون معنا پیدا می‌کند.

تشکیک در احکام خود را در قالب‌های متعددی مانند: ابلاغ احکام بر مبنا مصلحت فراتر از مصلحت مورد نظر، حجیت برخی از ظنون، احکام تقیهای، حکم تخییر در تعارض ادله، بیان احکام اضطراری، امکان انجام یک عمل به چند نحو، تفاوت میان رکن و غیر رکن.

این مبنا در حل مساله اجزاء تحول اساسی ایجاد می‌نماید و فعل انجام شده را تا زمانی که دارای مشخصه‌های حداقلی باشد، مجزی از حکم واقعی می‌داند

تشکیکی بودن احکام در تلطیف نگاه به دین، تعدیل فضای احتیاطی در روند استنباط و عمل به احکام و شناخت صحیح‌تر از احکام اثر مثبتی بر جای می‌گذارد.

در ادامه پیشنهاداتی نیز در راستای این مقاله ارائه می‌شود.

پیشنهاد می‌شود سایر مبانی که در علوم حوزوی به صورت مرتکز یا غیر مرتکز مورد استفاده قرار می‌گیرند، در قالب



- قمتی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۳ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- مشکینی اردبیلی، علی، اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها - قم، چاپ: ششم، ۱۳۷۴ ش.
- مظفر، محمد رضا، أصول الفقه (طبع انتشارات اسلامی) - قم، چاپ: پنجم، ۱۴۳۰ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، انوار الأصول - قم، چاپ: دوم، ۱۴۲۸ ق.
- منسوب به علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ۱ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، هدیة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، ۸ جلد، أسنانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
- صالحی مازندرانی، اسماعیل، شرح کفایة الأصول - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۲ ش.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الخلاف، ۶ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۷ ق.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- طوسی، محمد بن الحسن، الإستصار فیما اختلف من الأخبار، ۴ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: اول، ۱۳۹۰ ق.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، ۱۰ جلد، کتابفروشی داوری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ ق.
- عراقی، ضیاءالدین، الاجتهاد و التقليد - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۸ ش.
- عراقی، ضیاءالدین، بدائع الافکار فی الأصول - نجف اشرف، چاپ: اول، ۱۳۷۰ ق.
- عراقی، ضیاءالدین، نهاية الأفكار - قم، چاپ: سوم، ۱۴۱۷ ق.
- فانی اصفهانی، علی، آراء حول مبحث الألفاظ فی علم الأصول - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۱ ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in SID, Noormags,
Magiran, Ensani, GoogleScholar
www.jaml.ir
Second Year, Seventh Issue, Pages
61-86

The place of custom in the legislation and evolution of Imami jurisprudence

- mohammad rasool ahangaran** Professor and Faculty Member, University of Tehran, Tehran, Iran
- Ali Zare** Graduated from M.Sc. in Criminal and Criminology, Mofid University, Qom, Iran
- **Masumeh Mokhtari** Graduated from the Master of Laws and Fundamentals of Law, Qom University, Qom, Iran

Abstract

One of the principles of the science of principles, which is used as an association in various discussions, is the skepticism of the rulings. Lack of accurate explanation of this basis has created many ambiguities in jurisprudential issues, principles such as the nature of apparent and real rules, solving the problem of components and the non-calamity of many actions, and has raised many questions. The leading article, by examining the mentioned basis, has proved and explained the skepticism of the rulings and has also mentioned some of the consequences.

Keywords: antagonism, obedience to judgments, skepticism, real judgments, apparent judgments, components.

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

* Corresponding author: Ali105075@gmail.com